



انجمن حقوقی کد ۹۰
isu-law90.samenblog.com

مقوق جزای عمومی ۲ (دکتر قاسم محمدی) / جلسه چهارم

باسمه تعالی



انجمن حقوقی کد ۹۰
isu-law90.samenblog.com

حقوق جزا عمومی ۲ (دکتر قاسم محمدی)

جلسه چهارم



یادآوری از جلسه ی گذشته :

افرادی که می توانند به واسطه ی ارتکاب جرم، مجرم تلقی شوند:

۱. فاعل (مباشر، مسبب)

۲- شریک (مشارکت)

۳- معاون (معاونت)

سببیت : در سببیت برخلاف علت تامه که انجام دهنده ی جرم هیچ اختیاری ندارد، مسبب فاعل جرم را مجبور نمی کند و اختیار وی را سلب نمی کند؛ مثلاً اگر فردی به واسطه ی شهادت کسی قصاص شود، شاهد مسبب این کار است و در این جا شاهد اختیار را از دادگاه و قاضی سلب نکرده است.

علت تامه : اگر کسی دیگری را اجبار کند (نه اکراه) کاری را انجام دهد بدون اینکه اختیار داشته باشد؛ مانند اینکه فردی دست دیگری را بگیرد و یک سیلی به فرد دیگر بزند بدون اختیار فاعل .

عدم مانع : گاهی فرد می تواند جلوی انجام کاری را بگیرد اما این کار را نمی کند. در این صورت این فرد در آن کار به صورت « عدم مانع » دخالت کرده است. به عنوان مثال فردی در دریا می افتد و دارد غرق می شود. اگر فردی بتواند او را نجات دهد ولی این کار را نکند در این صورت به آن عدم مانع می گویند. در این مورد نظر غالب بر آن است که فرد مسئول نیست. اگرچه مرتکب حرام شده است؛ زیرا نجات جان دیگری واجب است. البته اگر فرد مسئول حفظ یا نگهداری چیزی باشد و کوتاهی کند مسئول است مانند غریق نجات یا مسئول حفاظت از کودکان.

فاعل معنوی : در موضوع تسبیب عنوانی به اسم فاعل معنوی مطرح می شود. در واقع جرم را کس دیگری انجام می دهد ولی به دلیل غلبه ی اراده ی دیگری بر اراده ی انجام دهنده، فاعل را دیگری به حساب می آورند مثلاً اگر کسی کودکی را به انجام کاری فریب دهد.

نکته : ذیل مواد ۳۱۶، ۳۱۷ و ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی قانون گذار بحث مباشرت را توضیح می دهد. البته در این مواد بیشتر ناظر به قتل است اما می توان مفاهیم این مواد را به جرم های دیگر نیز توسعه داد.

نکته : قانون گذار در خصوص قاچاق و تخریب نیز تسبیب را پذیرفته است.

مشارکت در جرم : در برخی کشور هها مشارکت مفهوم عامی دارد در واقع شریک جرم اعم از معاونت و مشارکت است. یعنی فرد یا فاعل جرم است یا شریک جرم . اما در حقوق ما معاون و شریک جدا هستند. در قانون ما هرگونه مداخله در ارکان مادی جرم را شراکت در جرم می گویند.

در قانون ما مشارکت مفهوم جدایی از معاشرت ندارد. در واقع اگر کسی به تنهایی جرمی را مرتکب شود مباشر واحد است اما اگر تعداد مباشران بیش از یک نفر باشد، نسبت بین مباشران، شراکت است.



نکته: شرکت کنندگان در جرم لازم نیست لزوماً رکن روانی واحد داشته باشند، مهم این است که رکن مادی مشترک داشته باشند. مثلاً اگر دو نفر جرم تخریب را یکی به صورت عمدی و دیگری غیر عمدی انجام دهند، هر دو شراکت در جرم دارند و به صورت کامل به مجازات تخریب محکوم می شوند.

نکته: هنگام مجازات هر یک از شرکت کنندگان (مباشران) در جرم به مجازات کامل می رسند و اینگونه نیست که مجازات بین آن ها تقسیم شود. ولی در مورد خسارت مالی، این خسارت به طور مساوی بین افراد صرف نظر از میزان مشارکت آن ها تقسیم می شود.

شراکت در قتل: در مورد قتل اگر (به عنوان مثال) سه نفر با مشارکت یکدیگر فردی را به قتل برسانند صرف نظر از رکن روانی آن ها (عمدی یا غیر عمدی)، دیه مقتول به نسبت مساوی بین هر سه نفر تقسیم می شود (هر فرد باید $\frac{1}{3}$ دیه را بپردازد).

اما درخصوص قصاص اگر سه نفر در جرم شریک باشند، یعنی هر سه در رکن مادی جرم دخیل باشند و رکن روانی لازم را نیز داشته باشند و بتوان جرم را به هر سه نسبت داد، اگر هر سه به صورت عمد مرتکب قتل شده باشند، اولیا دم مقتول می توانند هر سه را قصاص کنند همچنین می توانند دو نفر از آن ها یا یک نفر را قصاص کنند و یا اینکه هیچ یک را قصاص نکنند و دیه بگیرند. البته اگر بیش از یک نفر را قصاص کنند باید به تعدادی که بیشتر از یک نفر کشته می شوند، دیه ی آن ها را بپردازند. در مثال بالا اگر سه نفر را قصاص کنند، باید دیه ی دو نفر را بپردازند و این دیه به نسبت $\frac{2}{3}$ بین خانواده های قصاص شده ها تقسیم می شود. در هر حال چون یک نفر کشته شده است، هر چه بیشتر از یک نفر قصاص کنند باید به تعداد آن ها دیه بپردازند.

اگر یک نفر را قصاص کنند، چون این فرد به اندازه ی $\frac{1}{3}$ در قتل شراکت داشته باشد، باید $\frac{2}{3}$ دیه را به خانواده اش (خانواده ی فرد قصاص شده) بپردازند که طبیعتاً $\frac{2}{3}$ دیگر را از دو نفر شریک در جرم می گیرند و به خانواده ی قصاص شده می پردازند.

همانگونه که گفته شد با فرض رکن روانی واحد اگر مباشران (شریکان) جرم در رکن مادی مساوی نباشند مثلاً یک نفر سه ضربه و یک نفر دو ضربه و یک نفر یک ضربه زده باشد و مجموع این ضربه ها منجر به قتل فرد شده باشد، اگر هر سه به صورت عمد این کار را کرده باشند، هر سه قابل قصاص هستند. بنابراین میزان دخالت در رکن مادی باعث عدم مجازات یا غیر مساوی شدن مجازات یا خسارت نمی شود.

نکته: البته باید دقت داشت که اگر ضربه یک نفر باعث قتل شده است، او قاتل است و بقیه مجازات های دیگری دارند.

ماده ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی به بحث «شرکت در جرم» پرداخته است:

«هر کس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازات های باز دارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه ی آن ها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آن ها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در مورد جرایم غیر عمدی (خطایی) که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود.

تبصره: اگر تاثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به نسبت تاثیر عمل او تخفیف می دهد.

در تبصره ی ماده ی ۴۲ سخن از تخفیف مجازات است. منظور از تخفیف مجازات این نیست که تناسب بین افراد از بین برود که مثلاً سهم یکی ۸۰٪ و سهم دیگری ۲۰٪ است بلکه همه را مساوی می داند ولی می گوید اگر سهم یک نفر در وقوع جرم واقعاً کم بود،



دادگاه می تواند در مجازات او تخفیف بدهد که از اصول عدالت خارج نشود. (اگرچه این تبصره تا حدودی اصل تساوی بین مشارکان را به هم می زند.)

ماده ی ۳۳۴ به بعد قانون مجازات اسلامی شرکت در جنایت را مطرح می کند که در جزای اختصاصی یک مطلب آن گفته می شود.

نکته : در برخی جرایم زنا، شرب خمر، توهین، قذف و ... شرکت معنا ندارد؛ زیرا در تمام این جرایم اگر گروهی نیز انجام شود، هرکس مستقلا جرم مرتکب شده و چند جرم بوده است نه یک جرم.

معاونت :

اگر فردی در اجرای ارکان مادی جرم دخالت ندارد ولی مقدمات انجام جرم را فراهم کند یا خودش برای انجام جرم مقدمه شود، به وی معاون می گویند. البته شرط معاونت این است که فرد قصد مرتکب را بداند که قانون گذار از آن به « **وحدت قصد** » تعبیر کرده است. در واقع معاون باید بداند کاری که انجام می دهد جرم است و نوع جرم را نیز بداند؛ معاون باید مباشر جرم را در رکن روانی جرم همراهی کند. چون معاون در انجام ارکان مادی جرم دخالت ندارد و نقش وی فقط از جهت تسهیل انجام جرم و فراهم کردن مقدمات است باید از نظر روانی به جرم گره بخورد اگر فرد نه در رکن مادی و نه در رکن روانی دخالتی نکند، دیگر نمی توان وی را معاون جرم نامید و در این صورت هر کسی می تواند معاون تلقی شود. به عنوان مثال به کسی می گوییم معاون که سلاحی را به فردی داده باشد و با علم به اینکه این فرد می خواهد کسی را بکشد یا مثلا فردی انگور مورد نیاز برای تهیه ی شراب را در اختیار فردی با علم به این کار قرار دهد. (البته به شرطی که آن فرد نتواند انگور را از جای دیگری تهیه کند.)